

ناتو و نقش‌های جدید در عرصه بین الملل

مترجم: کاظم شریف کاظمی
کارشناس ارشد روابط بین الملل

مقدمه مترجم

در این مقاله نویسنده سعی نموده ضمن بیان پیچیدگی‌های بازی قدرت در منطقه خاورمیانه، تهدیداتی را حتمی جلوه دهد که گاهی غیر واقعی است. اما اگر از دیدگاه دسته‌بندی قدرت و منافع قدرت‌ها نگرینسته شود، نقش مهره‌های بازی بیشتر مشخص می‌شود و از این لحاظ قابل توجه است. در نهایت نویسنده اظهار می‌دارد که رژیم اشغالگر به تنهایی توان ایجاد جنگ بر علیه ایران یا سوریه را ندارد و قدرت‌های آمریکا و انگلیس نیز به علت درگیری در عراق و افغانستان و با توجه به فشار افکار عمومی توان شروع جنگ جدیدی را ندارند. البته بررسی و توجه ویژه به روابط آشکار و پنهان این بازیگران و درگیری ناتو در جنگ عراق و افغانستان و اهداف ناتو پس از پایان جنگ سرد و فروپاشی شوروی که به دنبال کارهای ویژه جدید و گسترش به شرق می‌باشد، از جمله موضوعات مهم برای کشورهای منطقه به ویژه ایران باید باشد. بدیهی است آشنایی با نقش و هدف قدرت‌های زیاده‌طلب فرامنطقه‌ای و تبیین استراتژی مناسب و پیش‌بینی تحولات منطقه در راستای تقویت منافع و امنیت ملی امری اجتناب‌ناپذیر است.

به کنفرانس آنابولیس باز می‌گردد. این ابتکار عرب را عربستان در سال ۲۰۰۲ پیشنهاد کرد که در حقیقت بخشی بود از طرح معروف نقشه راه که به واسطه آمریکا و انگلیس ارایه شده بود. برای فهمیدن طرح کنفرانس آنابولیس باید دید که پس از سال ۲۰۰۱ در فلسطین چه اتفاقی افتاده است و نیز باید بررسی نمود که بین جنبش فتح و حماس چه گذشته است. همچنین درک نقش عربستان در طرح آشتی مکه و نقش آمریکا و متحدان منطقه‌ای وی مهم است. اول اینکه آمریکا و اتحادیه اروپا فهمیده بودند که فتح دیگر مقبولیت عمومی ندارد و حزب دیگر (حماس) قدرت را به دست خواهد گرفت. این مشکلی برای آنها و اسرائیل خواهد بود. زیرا آنها در نظر داشتند در نهایت رهبران فتح را فاسد جلوه نمایند تا بتوانند به اهداف نهایی خود در منطقه دست یابند.

در سال ۲۰۰۵ مقامات آمریکا و اسرائیل خود را برای پیروزی حماس در انتخابات سراسری فلسطین آماده کردند. یک استراتژی تدوین شد تا نه تنها حماس بلکه همه گروه‌های قانونی مبارز را خلع سلاح کنند که پس از آن کل فلسطین در گروگان خواهد بود. اسرائیل و آمریکا و متحدانش می‌دانستند که حماس گروهی نبود که آمریکا برای فلسطین و خاورمیانه می‌خواست. از این رو اظهار داشتند که حضور حماس مغایر با طرح خاورمیانه جدید است. در این شرایط عربستان نقش خود را برای طرح جدید خاورمیانه آمریکا بازی می‌کرد و فتح نیز در پی باخت خود به دنبال پنهان‌بختی برای مبارزه با حماس بوده است. تا قبل از اجلاس مکه، عربستان حماس را به رسمیت نشناخت و گفته می‌شود کنفرانس مکه دامی برای سوریه بوده است. آنچه که حماس در آشتی مکه (در اثر فریفته شدن) امضا کرد، سبب یک جنگ داخلی در غزه شد. در طرح

عراق و دیگری اتحاد با ناتو که محوریت آن با فرانسه و آلمان در منطقه است. البته نظامی‌گری به پایان جنگ جهانی دوم و تاسیس اسرائیل بر می‌گردد و نقش برجسته ناتو از زمان مبارزه علیه تروریسم در سال ۲۰۰۱ بارز گردیده است.



پاریس و برلین نقش خود را در مبارزه جهانی علیه تروریسم آشکار می‌کنند

اتحادیه اروپا به رهبری فرانسه و آلمان از طرف انگلیس و آمریکا پس از اعلام جنگ جهانی علیه تروریسم حمایت می‌شوند. یکی از نتایج آن گسترش عملیات ناتو به خاورمیانه و آسیای مرکزی است.

ناتو و اسرائیل موظف می‌شوند که در جنگ احتمالی آتی بر علیه ایران و سوریه نقش عمده‌ای به عهده بگیرند. این موضوع از مشاهده کارکرد این دو نیرو در افغانستان و خاورمیانه کاملاً مشخص است. زنجیره‌ای از اتفاقات که برای فلسطینیان رخ داده است

ناتو و اسرائیل: ابزارهای آمریکا در جنگ‌های خاورمیانه

سازمان پیمان آتلانتیک شمالی یک مشت آهنی برای آمریکا، انگلیس، فرانسه و آلمان به شمار می‌رود. در حقیقت

این چهار کشور ستون‌های ناتو به حساب می‌آیند. در طول جنگ سرد، ناتو به ابزاری برای دفاع از محور آمریکا و اهداف خارجی و امنیتی برای آلمان و فرانسه تبدیل شده بود. علی‌رغم اینکه در داخل ناتو اختلاف نظرهایی وجود دارد، اما اشتراک بین کشورهای انگلیس- آمریکا، اتحادیه اروپا و رژیم اشغالگر پس از سال ۲۰۰۵ سبب شده که اسرائیل به صورت دوفاکتو متحد نظامی ناتو به حساب بیاید.

دو منطقه در خاورمیانه به وسیله قدرت‌های خارجی نظامی شده است. یکی خلیج فارس و دیگری شرق خاورمیانه. در این خصوص وجهه جدیدی از نظامی شدن وجود دارد. یکی با محور انگلیس- آمریکا که بر می‌گردد به جنگ ایران-

آماده شده بود یکی در صورت پیروزی فتح که احتمال آن کم بود و دیگری در صورت شکست آن که در این صورت منطقه فلسطین به دو قطب یکی رهبری هنیه و دیگری محمود عباس تقسیم گردد. از زمانی که در اجلاس آشتی مکه قرار شد دولت آشتی ملی تشکیل گردد، فتح به بهانه‌ای از دولت خارج شد و به این ترتیب خواست دولت حماس را غیرقانونی جلوه دهد و در حالی که جنگ داخلی در غزه را ایجاد کرد، غیرکارآمد جلوه دادن نتیجه انتخابات جدید را در نظر داشته است. این شرایطی بود که محمود عباس توانست موقعیت خود را برای تشکیل یک سیستم دولتی موازی در کرانه باختری در برابر سیستم غیرقانونی، قانونی جلوه دهد. حماس به طور قابل ملاحظه‌ای ضعیف شد و قدرت خود را در کرانه باختری از دست داد. این سناریو دو هدف داشت یکی نظامی سازی منطقه فلسطین و دیگری اجلاس آنپولیس. قبل از اجلاس آنپولیس نتیجه آن نشست با محمود عباس توافق گردید. آنها موافقت کردند که از عدم ایجاد نیروی مسلح فلسطینی حمایت کنند. آنها همچنین از دنیای عرب خواستند که یک رابطه اقتصادی بهتری با اسرائیل داشته باشند و همچنین یک نیروی بین المللی همانند بوسنی و کوزوو بر اجرای توافقات در سرزمین فلسطین نظارت نماید. این اطلاعات هنگام خلع سلاح حماس و قانونی سازی محمود عباس فاش گردید. در جریان این تحولات یکی از مقامات فرانسه اعلام کرد که اتحادیه اروپا و اتحادیه مدیترانه باید وارد صحنه شوند و همچنین مدت‌ها قبل در پاریس گفته بود که اتحادیه اروپا و ناتو باید در منطقه

حضور داشته باشند. این زمانی بود که پس از خروج اسرائیل از منطقه نیروهای نظامی خارجی و بین المللی جایگزین شوند و طی یک کنفرانس بین المللی حضور آنها قانونی شود. این در حقیقت فاز دوم نقشه راه به حساب می‌آید. این نشان می‌دهد که منطقه خاورمیانه بخشی از نقشه نظامی سازی است (به جای آن که اقدام جنگ جهانی علیه تروریسم باشد). در حقیقت پیشنهاد سارکوزی به اتحادیه مدیترانه برای همکاری اقتصادی بیشتر با اسرائیل و توافقات صلح آنپولیس نیز بر گسترش روابط اقتصادی با اسرائیل تاکید داشته است. این موارد به همراه حضور ناتو و اتحادیه اروپا در منطقه اهداف و نقشه‌های خاورمیانه جدید است.

بین المللی سازی غزه به وسیله ناتو

شواهد روشنی وجود دارد که جنگ سال ۲۰۰۶ اسرائیل علیه لبنان نقشه اسرائیل، آمریکا و ناتو بوده است. بعد از حمله اسرائیل به لبنان ناتو اظهار داشت که با پرچم UNIFIL به زودی وارد غزه خواهد شد. در این زمان اسرائیل قرار بود در غزه نیز بر ضد نیروهای فلسطینی وارد جنگ شود. استراتژیست‌های اسرائیلی بر این نظر بودند که پس از

این درگیری‌ها نیروهای ناتو جهت اجرای عملیات صلح‌بانی وارد غزه خواهند شد. مقامات آمریکایی اظهار داشتند که برای صلح‌بانی در غزه باید ۳۰ هزار نیرو ناتو در آنجا حضور داشته باشند. قبل از تشدید جنگ رژیم اشغالگر در این طرح، گروه‌های فلسطینی با هم درگیر شدند. در این جریان محمود عباس پیوسته از نیروهای آمریکایی حمایت می‌کرد و مجری طرح‌های آنها بود.

اسرائیل: ارتش دو فاکتو ناتو

وزیر امور استراتژیک اسرائیل اظهار نموده است: اهداف دیپلماتیک و امنیتی اسرائیل باید روشن باشد: پیوستن به ناتو و ورود به اتحادیه اروپا.

اسرائیل یک ساختار همکاری نظامی در سطح عالی با ناتو ایجاد نموده است. بنابر نظر این وزیر اسرائیلی، این کشور (رژیم اشغالگر) در نظر دارد یک عضو خارج از منطقه اتحادیه بوده و نیز عضو ناتو گردد. این وزیر، مسوول ارتباط با ناتو و پرونده جنگ ایران بوده است و همچنین یکی از



هماهنگ کننده‌ها با ناتو و آمریکا در زمینه اقدامات بر ضد ایران و سوریه بوده است.

از زمان تشکیل دولت (اشغالگر) پهپودی، آنها منافع خود را در نزدیکی هر چه بیشتر با غرب در منطقه خاورمیانه و کشورهای عربی می‌بینند. اسرائیل یکی از اعضای فعال عملیات ناتو در شرق مدیترانه است. اسرائیل عضو ناتو نیست، ولی اسرائیل و ترکیه از متحدان ناتو در خاورمیانه به حساب می‌آیند. هر دو کشور در نظر دارند که نقش نظامی مهمتری در منطقه مدیترانه ایفا نمایند.

در اواخر سال ۲۰۰۷ اسرائیل ادعا کرده است که چراغ سبزی از طرف آمریکا، اتحادیه اروپا و ناتو جهت انجام حمله نظامی به ایران دریافت کرده است که این آتش جنگ بزرگی در خاورمیانه خواهد بود و شروع و پایان آن آسان نیست.

ایجاد موانع و حصار بین اسرائیل و لبنان

بعد از حضور نیروهای UNIFIL (نیروهای صلح‌بان بین المللی) در پی بمباران لبنان توسط اسرائیل در سال ۲۰۰۶، اسرائیل دیگر شرایط قبل را نداشته است. در حقیقت این نیروها سپر حمایتی برای اسرائیل در صورت حمله مجدد آن به

کشور لبنان به حساب می‌آیند.

نکته مهم دیگر اینکه در جنگ سال ۲۰۰۶، اسرائیل بیش از ۳ میلیون بمب خوشه‌ای آمریکایی به جنوب لبنان زده است. اما نکته منحرف کننده اینکه در این حمله که در نظر نداشتند طولانی شود، از این بمب‌ها استفاده کردند. جنوب لبنان هم مرز با اسرائیل است. استفاده وسیع اسرائیل از بمب‌های خوشه‌ای در جنگ لبنان نشان از جنگ بالقوه‌ای دیگر در خاورمیانه در آینده می‌تواند باشد. این بمب‌های خوشه‌ای عامل بازدارنده‌ای برای جنگ جوان لبنانی جهت ورود به خاک اسرائیل در صورت وقوع جنگ بین ایران، سوریه، فلسطین و لبنان می‌تواند باشد.

سناریوهای جنگ‌های منطقه‌ای: اسرائیل

و یورش موشکی

طرح خاورمیانه بزرگ هزینه هنگفتی دربر خواهد داشت و آن هزینه "جنگ" است. نظامی سازی غزه در بررسی عقلایی آن یک جنگ وسیع در منطقه را در پی دارد. صف آرای نیروهای نظامی در غزه و کرانه باختری و لبنان و دیوارکشی در کرانه باختری و محصورسازی فلسطینیان نشان از رخ داد یک جنگ است که یک طرف آن اسرائیل، آمریکا و ناتو است و طرف دیگر آن سوریه و ایران و متحدان آن قرار دارند. اما نگاه درست و عاقلانه نشان می‌دهد که جنگ علیه سوریه و ایران، ارتش اسرائیل را ضعیف خواهد کرد، موشک‌های بالستیک ایران کاملاً به اسرائیل دسترسی دارند و گروه‌های مبارز فلسطینی کاملاً از این موضوع آگاه هستند که اگر جنگی در منطقه بین اسرائیل با ایران و سوریه اتفاق بیفتد، این گروه‌ها نیز جنگ در منطقه را به صورت زمینی آغاز می‌کنند و جنگ فعال بین فلسطین و اسرائیل به سرعت شکل جدیدی به خود می‌گیرد.

آیا ارتباطی بین اظهارات ملت فلسطین و جنگ وجود دارد

در یک اظهار نظر وزیر امور استراتژیک اسرائیل اشاره داشت: در جنگ اسرائیل تنها نیست بلکه ما در خط مقدم این جنگ هستیم.

بعد از ترور رفیق حریری، فرانسه و آلمان در موضوعات خاورمیانه فعال تر شدند. این دو کشور نیز در صف آمریکا و انگلیس فعال شدند. مرکز در اظهار نظری تاکید کرد که آلمان-فرانسه و اتحادیه اروپا باید در روند صلح خاورمیانه فعال شوند. این عوامل باید تلاش‌های خود را با عربستان در آرام سازی فلسطینی‌ها هماهنگ نمایند.

برخی شباهت‌ها بین مارش نظامی حمله سال‌های ۲۰۰۲ و ۲۰۰۳ به عراق و مارش نظامی علیه سوریه و ایران وجود دارد. یکی از این شواهد این است که آن زمان نیز کاخ سفید در روند صلح خاورمیانه و کمک به تشکیل یک دولت مستقل فلسطینی در تلاش بوده است. در حالی که برخی نیز صلح اسلو را با جنگ ۱۹۹۱ عراق بی‌ارتباط نمی‌دانند.